





Sociology of Education

Explanation of the Factors Affecting the Establishment of a Knowledge-based City in Less Developed Areas (Case Study: Zahedan City)

Davood Hosseini¹ , Bahareh Naseri^{2*} , Ali Payan³ 

1. PhD Student, Department of Management, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Management, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Mathematics, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** naseri2018@yahoo.com

Receive: 2023/04/16
Accept: 2023/07/26
Published: 2023/12/11

Keywords:

knowledge, Knowledge-based City, Knowledge-based Urban Development, Establishment of Knowledge-based City.

Article Cite:

Hosseini D, Naseri B, Payan A. (2023). Explanation of the Factors Affecting the Establishment of a Knowledge-based City in Less Developed Areas (Case Study: Zahedan City). 9(2): 333-348.

Purpose: The purpose of this research was to explain the factors affecting the establishment of a knowledge-based city in less developed areas (case study: Zahedan city).

Methodology: The mixed research method (qualitative-quantitative) was exploratory. In the qualitative part, the method was grounded theory and in the quantitative part, it was descriptive-survey. In the qualitative section, the community consisted of academic experts in the field of management, managers of knowledge-based companies, managers of the Sistan and Baluchistan Governorate and Zahedan Municipality, and in the quantitative section, there were employees of the Sistan and Baluchistan Governorate and Zahedan City Municipality. The sample size in the qualitative section was based on the principles of theoretical saturation of 17 people using the snowball method and in the quantitative section according to Morgan's table, 248 people were selected using the stratified sampling method. In order to collect data, a semi-structured interview method was used in the qualitative part, and a researcher-made questionnaire was used in the quantitative part. The content analysis of the interviews was done using the coding method (open, central and selective coding) and structural equations. The interviews continued until the theoretical data saturation stage. Qualitative content analysis was done with MAXQDA12 software. Smart pls4 software was used for confirmatory factor analysis and SPSS25 software was used to determine model validity

Findings: The results of the research showed that the factors affecting the establishment of knowledge-based cities in less developed areas were identified with 6 main factors, 15 components and 69 indicators. Finally, the factors affecting the establishment of knowledge-based cities in less developed areas were designed and validated with a questionnaire.

Conclusion: Also, according to the findings, the effective factors were evaluated with structural equations, which finally showed that the relationship between the variable causal factors and the main phenomenon with a factor loading of 0.806 was considered the most important factors.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2023.2003213.1414>



<https://dorl.net/dor/10.22034/ijes.2021.541983.1184>



Creative Commons: CC BY 4.0



جامعه شناسی آموزش و پرورش

تبیین عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان)

داود حسینی^۱، بهاره ناصری^{۲*}، علی پایان^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲. استادیار، گروه مدیریت، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۳. استادیار، گروه ریاضی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

✦ ایمیل نویسنده مسئول: naseri2018@yahoo.com

مقاله تحقیقاتی	چکیده
دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷	هدف: هدف از این پژوهش تبیین عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان) بود.
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴	روش شناسی: روش پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی بود. در بخش کیفی روش گرنند تئوری و در بخش کمی توصیفی - پیمایشی بود. جامعه در بخش کیفی خبرگان دانشگاهی در حوزه مدیریت، مدیران شرکت های دانش بنیان، مدیران استانداری سیستان و بلوچستان و شهرداری زاهدان بودند و در بخش کمی کارکنان استانداری استان سیستان و بلوچستان و شهرداری شهر زاهدان بود. حجم نمونه در بخش کیفی بر اساس اصول اشباع نظری ۱۷ نفر با استفاده از روش گلوله برفی و در بخش کمی طبق جدول مورگان ۲۴۸ نفر با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای انجام پذیرفت. جهت جمع آوری داده ها در بخش کیفی از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته و در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. تحلیل محتوای مصاحبه ها با استفاده از روش کدگذاری (کد باز، محوری و انتخابی) و معادلات ساختاری استفاده شد. مصاحبه ها تا مرحله اشباع نظری داده ها ادامه یافت. تحلیل محتوای کیفی با نرم افزار MAXQDA12 انجام شد. برای تحلیل عاملی تاییدی از نرم افزار Smart pls4 و برای تعیین اعتبار مدل از نرم افزار SPSS25 استفاده شد.
انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰	یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته با ۶ عامل اصلی، ۱۵ مولفه و ۶۹ شاخص شناسایی گردید. در نهایت عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته طراحی و با پرسشنامه اعتباریابی گردید.
واژگان کلیدی: دانش، شهر دانش بنیان، توسعه شهری دانش بنیان، استقرار شهر دانش بنیان.	بحث و نتیجه گیری: همچنین با توجه به یافته ها عوامل موثر با معادلات ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفت که در نهایت نشان داد که رابطه بین متغیر عوامل علی و پدیده اصلی با بارعاملی ۰,۸۰۶ با اهمیت ترین عامل ها در نظر گرفته شد.
استناد مقاله: حسینی د، ناصری ب، پایان ع. (۱۴۰۲). تبیین عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان)، جامعه شناسی آموزش و پرورش. ۹(۲): ۳۳۳-۳۴۸.	

<https://doi.org/10.22034/ijes.2021.541983.1184><https://dori.net/dor/2.10.22034/ijes.2021.541983.1184>

Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

گسترش روزافزون شهرها در کلیه کشورهای جهان از پیامدهای غیرقابل انکار عصر دانش و فناوری به شمار می‌رود. از آغاز سال ۱۹۹۰ میلادی، یک تغییر از اقتصاد سنتی - صنعتی به سوی یک اقتصاد دانش بنیان بوجود آمد. این اقتصاد در حال ظهور به دلیل جهانی شدن، افزایش میزان مشاغل در بخش خدمات و رشد اینترنت ایجاد شد. خدمات مبتنی بر دانش؛ محرک اصلی این نوع جدید از اقتصاد است. دانش با ارزش ترین دارایی است و در واقع یک مزیت در اقتصاد دانش پایه محسوب می‌شود. یک شهر دانش بنیان شهری است که با هدف تقویت دانش طراحی شده است (Malik, Budhwar. 2022, Kandade). ادوینسون (به نقل از دیویر و پاشر) یک لیست از معیارهای یک شهر دانش بنیان را تهیه کرده است. این معیارها بیش تر بر روی الزامات مدیریتی و سیاسی تاکید کرده است و چندان به الزامات فضایی و استراتژی های برنامه ریزی و طراحی شهری اشاره ای نکرده است (Moftian. et al, 2022). شهر دانش بنیان شهری است که هدف آن توسعه فعالیت های دانش پایه از طریق اهمیت دادن به فضای اقتصادی دانش محور است (Patel. Desai, 2019).

امروزه روند رو به رشد جهانی شدن و ظهور و گسترش ابزارهای نوآورانه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ و فشرده‌گی زمان و مکان و امکان انجام فعالیت ها (بوژه اقتصادی) در زمان واقعی^۲ و روند هم افزایانه گسترش دانش و فناوری و اقتصاد سرمایه داری، موجب شکل گیری سرمایه داری مبتنی بر دانش^۳ شده است. همچنین در گذار به دوره پسا فور دیسم و دوره نورو تکنولوژی^۴ و حاکمیت فضای NBIC^۵، نقش مدیریت دانش^۶ در تنظیم و تطبیق ارزش دانش بنیان یا سرمایه های هوشمندی^۷ اهمیت فزاینده ای یافته است (Duarte Alonso, O'Shea, Kok, 2022). دانش به عنوان یکی از نهاده های اصلی تولید و از با ارزش ترین دارایی های کسب و کار که بایستی به طور مؤثر و کارآمد برای دستیابی به مزیت رقابتی در عرصه اقتصاد دانش بنیان، جامعه دانش بنیان و شهروندان دانش بنیان مدیریت شود، تلقی می‌گردد. بدین ترتیب، با تحول عظیم مفهوم توسعه، ارزش متصل به دانش، نیروی محرک توسعه شهری و تغییر دهنده ساختار فضایی شهرها از طریق ایجاد فرصت برای تولید و مبادله دانش و نوآوری میان شهروندان مطرح گردیده است (Noueihed. Harb & Tekli, 2022).

از سویی، سیاست های مبتنی بر نظریه های نئو کلاسیک، کینزی، نظریه های ساختاری و تغییر موقت و سایر رهیافت های سنتی توسعه شهری ناشی از رویکرد بالا به پایین، در تبیین و تحلیل مسائل شهری و ارائه راهکارهای مناسب توسعه محلی و رفع نابرابری های فضایی توانایی کافی را نداشته اند. همچنین پیامدهای طراحی سیاست ها در قالب خط مشی های استاندارد (علی رغم تنوع مناطق) خارج از سطوح محلی و همچنین بی توجهی به شرایط و محتوای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، محیطی و نهادی موجب جداسازی ساختار اجتماعی و فضایی، جدایی گزینی های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بیوفیزیکی و رشد فزاینده مصرف و اجتناب ناپذیری سقوط ساختارها و دشواری مدیریت این شهرها می‌شود. علاوه بر این، موارد ذکر شده منجر به تلاش برنامه ریزان برای جایگزینی و توسعه رهیافت های نوینی می‌شود؛ از قبیل رهیافت نهادگرایی جدید به عنوان رهیافت توسعه ای که بر پایه دارایی های ارتباطی و وابستگی درونی است که شامل دانش محلی، کیفیت نهادهای محلی، هنجارها و عادت های اجتماعی با ثبات، روابط اجتماعی و تعاملات محلی می‌باشد. توسعه شهری دانش بنیان^۸ به عنوان رهیافتی توسعه ای تعریف می‌شود که با استفاده از ابزارهای نوآورانه باعث جذب دانشگران و توسعه فعالیت های دانش بنیان می‌شود. این خود از نظر محیطی، دوستدار محیط زیست و با حداقل تولید کربن؛ از نظر حمل و نقل پایدار و کاهش دهنده اثرات تغییرات اقلیمی و نهایتاً قابل تحمل تر؛ از نظر اقتصادی تاب آورتر، کارآفرین تر و رقابتی تر؛ از نظر اجتماعی و سیاسی عادلانه تر، همبسته تر، شفاف تر، مسئولیت پذیرتر و پاسخ گوتر است (Yigitcanlar, 2018).

با توجه به اینکه فعالیت های مرتبط با توسعه شهری دانش بنیان با نهادهای مرتبط با یادگیری و نوآوری سر و کار دارند، شناخت و به کارگیری ابزارهای سیاستی هم چون رهیافت نهادگرایی جدید در عرصه ی سیاست گذاری توسعه شهری دانش بنیان امری اجتناب ناپذیر می‌نماید (Zhang. et al, 2022). براساس رهیافت نهادگرایی، فقدان نهادهای کارا، مناسب، معتبر و دارای ظرفیت لازم برای کمک به توسعه شهری، موجب ناپایداری توسعه شهری می‌شود.

¹ ICT

² Real time

³ Knowledge capitalism

⁴ Neurotechnology

⁵ Nano-Bio-Info-Cogno

⁶ Knowledge management (KM)

⁷ Intelligent capital

⁸ Knowledge Based Urban Development (KBUD)

گردد (Hosseinpour, et al, 2021). همچنین واقعیت اجتماعی- فضایی توسعه شهری، از مکان های خاص با توجه به دارایی های اقتصادی، مسیرهای توسعه، آگاهی های زیست محیطی، سیاستگذاری ها، بینش اجتماعی و فرهنگی دارای شرایط و مقتضیات خاص خود شکل گرفته است که باید مسیر توسعه آن مجزا و خاص باشد. بنابراین در این رهیافت، هرگونه اقدام سیاستگذاری برای توسعه شهری باید مبتنی بر سرمایه نهادی و ظرفیت نهادی^۹ - محلی باشد. این موضوع در سطوح مختلف محلی، فردی، اجتماعی، سازمانی، شبکه سازمانی و حکمروایی عمومی معنا پیدا می کند که شامل دانش محلی، روابط رودرروی گروه های مختلف اجتماعی، کیفیت سازمان های محلی، هنجارها و عادات اجتماعی باثبات محلی و تعاملات اجتماعی می باشد. بدین ترتیب، از منظر رویکرد نهادی، تحقق توسعه شهری دانش بنیان نیز نیازمند تغییرات نهادی کارا و دیدگاهی نظام مند و یکپارچه برای استفاده از ظرفیت های دانشی و بر پایه نیازها، ارزش های خاص و هویت شهر است. ترتیب های نهادی^{۱۰} و ظرفیت نهادی - محلی، از طریق گسترش تعامل ذینفعان محلی، افزایش شفافیت و پاسخگویی و جلوگیری از اقدامات رانت جویانه می تواند زمینه ساز و موتور محرک تغییرات نهادی برای توسعه شهری گردد (Chorev, Ball, 2022).

از سوی، اگر تغییرات کالبدی شهری و الگوهای فضایی را در ارتباط وثیق با تغییرات فرایندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی شهر تلقی کنیم، درک اثرات احتمالی تغییرات الگوی تولید (تولید دانش بنیان) و الگوی فرایندهای اجتماعی (مناسبات روابط تولید و الگوهای تعاون و همکاری در تولید توزیع و مبادله دانش) بر توسعه شهری و استفاده از ابزارهای فناوری و مدیریت دانش در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری، می تواند زمینه تولید، توزیع و مبادله بهتر دانش مورد نیاز توسعه، ایجاد و گسترش فعالیت های دانش بنیان در شهرها را فراهم آورد. این امر نیازمند فراهم بودن الزامات فرایند چرخه دانش و انباشت آن، بویژه ظرفیت نهادی می باشد. بدین ترتیب، با توجه به اینکه ابعاد، عناصر و سیاست های رهیافت نهادی برای توسعه شهری از دیدگاه های مربوط به: توسعه ی ابزارهای توسعه، حکمروایی مطلوب شهری، نقش گروه ها و عوامل محلی و تعامل آنها با یکدیگر و سطوح بالادست، رهبری محلی، توجه به ظرفیت ها و نیازهای محلی و توسعه دانش محلی انطباق بسیاری با الزامات تحقق توسعه شهری دانش بنیان دارد؛ ظرفیت نهادی ابزاری مناسب برای سنجش، پایش و چگونگی وضعیت شهر در راستای تغییرات پارادایمی به سوی توسعه شهری دانش بنیان محسوب می گردد (Stenvall, et al, 2022).

در ایران نیز در سال های اخیر، توسعه دانش بنیان^{۱۱} به عنوان نیروی محرکه تمام فعالیت ها، رشد اقتصادی و تحول فرهنگی در اسناد و برنامه های کلان کشور مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته است. از جمله بند دوم سند چشم انداز بیست ساله کشور که به برخورداری جامعه از دانش پیشرفته و توانایی در تولید علم و فناوری تأکید دارد؛ و بند ششم سند فوق، که دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی تأکید دارد. همچنین فصل چهارم قانون برنامه چهارم توسعه، با عنوان توسعه مبتنی بر دانایی و فصل دوم قانون برنامه پنجم توسعه با عنوان علم و فناوری و تأکید جدی تر در برنامه ششم توسعه، گویای اهمیت و جایگاه توسعه دانش بنیان در برنامه های توسعه کشور است. در این راستا همچنین اسناد مهمی چون «سند نقشه جامع علمی کشور» و «سند توسعه پژوهش و فناوری» تدوین یافته است (Tabibi, et al, 2020). و بر این اساس، به نقش پارک های علم و فناوری، به عنوان گامی برای تبلور فضایی- مکانی مفاهیمی چون مدیریت دانش و جامعه دانش و بستری برای هدایت شرکت های دانش بنیان توجه شده است. در این زمینه، مفهوم شهر دانش^{۱۲} و توسعه شهری دانش بنیان تلاشی همه جانبه در راستای تحقق اهداف اشاره شده در اسناد فرادست و فراهم آوردن بستر جامعه، اقتصاد و مدیریت دانش در شهرهای کشور است (Dehghani, Haqiqat Nayini, Zebardast, 2021). همه این موارد، از حیث بنیادی مبین ضرورت و وجود خلاء هایی در توسعه و مطالعات این پارادایم میان رشته ای نو ظهور است. اهمیت این موضوع را می توان از حیث جامعه درگیر و دغدغه های جامعه شهرنشینی به جهت رشد و رفاه در سطح کلان حکمرانی شهری و همچنین گذار از بحران های مشروعیت، پاسخ گویی و حاکمیت در حیطه مدیریت دولتی نوین، با گسترش جهانی شدن بیان کرد (Yaqoubi, 2010).

شهر زاهدان مرکز استان پهناور سیستان و بلوچستان است. این استان با دو کشور پاکستان و افغانستان دارای مرز مشترک خاکی و همچنین از طریق دسترسی به آب های آزاد، با کشورهای عرب نشین حاشیه خلیج فارس و دریای عمان دارای مسیر آبی می باشد؛ که این خود باعث پتانسیل بالا جهت ترانزیت کالا است. همچنین شهر زاهدان در مسیر ترانزیت بین المللی و جاده ابریشم واقع شده است. بنابراین نباید نگاه دو کشور پناور و در حال توسعه

⁹ Institutional Capacity

¹⁰ Institutional Arrangement

¹¹ Knowledge Based Development (KBD)

¹² Knowledge City (KC)

اقتصادی چین و هند را به جهت سرمایه‌گذاری و حضوری فعال در این استان با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک آن فراموش کرد. از جمله پتانسیل‌های بالقوه این استان به مرکزیت شهر زاهدان می‌توان به موارد زیر اشاره ای کوتاه داشته باشیم:

- ۱- در زمینه کشاورزی علی‌الخصوص محصولات با کیفیت جهانی از قبیل خرما و میوه‌های گرمسیری.
- ۲- جاذبه‌های وسیع گردشگری و بیابان‌گردی.
- ۳- وجود بادهای فصلی و آفتابی چهار فصل به جهت استفاده و بهره‌گیری و همچنین صادرات انرژی‌های پاک.
- ۴- وجود دانشگاه‌های مادر و واحدهای دانشگاهی بین‌المللی از جمله دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، مراکز علمی-کاربردی، مؤسسات غیرانتفاعی و دانشگاه علوم قرآنی؛ که این خود باعث بالا رفتن سرانه دانشجویی در شهر زاهدان می‌شود.
- ۵- تنوع قومی و فرهنگی بالا.
- ۶- صنایع دستی بومی و سنتی با پتانسیل و ارزش افزوده بالا به جهت درآمدزایی پایدار و صادرات به جهت ارتقاء سطح معیشت و رفاه شهروندان بومی.
- ۷- وجود معادنی غنی.
- ۸- بستر حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و هوایی.
- ۹- زیرساخت‌های فناوری از قبیل خطوط فیبر نوری، اینترنت پر سرعت بی‌سیم، وجود پارک علم و فناوری و مراکز رشد و همچنین شهرک صنعتی مجهز به زیرساخت‌های فناوری.

موارد فوق‌الذکر دارای پتانسیلی به القوه به جهت رشد و پویایی اقتصادی و درآمدی پایدار هستند. این موارد همه می‌توانند از الزامات اساسی رشد و توسعه شهری دانش‌بنیان باشند. شایان ذکر است موارد ذکر شده تنها در بستر شهر دانش‌بنیان امکان ارتباط، رشد و هم‌افزایی و تبدیل شدن به رشد اقتصادی، فرهنگی و ارزش افزوده‌ای پایدار خواهند داشت که زیرساخت‌ها و نقاط قوتی ارزنده جهت دوره گذار از شهری الکترونیک و صنعتی به سوی شهری دانش‌بنیان خواهند بود (Tabibi, et al, 2020).

این پژوهش با هدف کمک به شکل‌گیری زمینه در حال گسترش شهر دانش‌بنیان با استفاده از مطالعات انجام شده و نمونه‌های پیاده‌سازی شده در سطح جهانی و تجارب موفق دنیا، با هدف تبیین عوامل استقرار شهر دانش‌بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان) با توجه به زیرساخت‌ها و وضعیت موجود در شهر زاهدان، به بررسی جنبه‌های مختلف این پدیده پیچیده می‌پردازد و در صدد پاسخ به این سوالات است که عوامل موثر بر استقرار شهر دانش‌بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته کدامند؟ همچنین وضعیت موجود عوامل موثر بر استقرار شهر دانش‌بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته چگونه است؟ و اولویت بندی عوامل موثر بر استقرار شهر دانش‌بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته چگونه است؟

Shie, et al (2021) در پژوهشی با عنوان « توسعه شهری دانش‌بنیان در حوزه مرکزی شهر تهران ارایه پیشنهادات برنامه ریزی برای ارتقا عملکرد اجتماعی-محیطی نیروهای دانش‌بنیان در منطقه ۶ شهرداری تهران» بیان داشتند که دستیابی به توسعه‌ی شهری دانش‌بنیان، نیازمند اتخاذ راهبردهایی در سطح برنامه ریزی شهری می‌باشد. در این میان راهبردهای توسعه فضایی دانش‌بنیان محرک توسعه‌ای برای شهرهایی که تولید دانش را به عنوان هدف اصلی خود قرار داده‌اند، تلقی می‌شوند. نیروهای دانش‌بنیان نیز به عنوان منابع اصلی و مهم در این توسعه فضایی به شمار می‌روند. منطقه شش شهرداری تهران با برداشتن سازمان‌های تحقیق و توسعه و دانشگاه‌ها، محل تمرکز نیروهای دانش‌بنیان می‌باشد. از این رو بررسی نیازهای اجتماعی محیطی این نیروها در خوشه‌های دانش‌بنیان موجود در این منطقه، هدف اصلی این مقاله می‌باشد. برای دستیابی به این هدف فرآیند مقاله به دو بخش اصلی تقسیم شده است؛ قسمت نخست با مرور متون نظری این رویکرد، به مولفه‌های ضروری برای جذب و نگهداری نیروهای دانش‌بنیان اشاره دارد. در قسمت بعدی پس از مشخص کردن پراکنش نیروها و فعالیت‌های دانش‌بنیان به عنوان منابع اصلی و مهم در خوشه‌های دانش‌بنیان، در سطح منطقه شش شهرداری تهران با استفاده از ابزار GIS، به بررسی نیازهای نیروهای دانش‌بنیان در خوشه‌های دانش‌بنیان، از طریق پرسشنامه پرداخته است. این بررسی از روش نمونه‌گیری هدفمند با جامعه آماری ۳۰ نفر، ۱۷ سوال مرتبط با چهار معیار موثر بیان شده در ادبیات نظری، انجام شده است. بر پایه یافته‌های حاصل از پرسشنامه که در آن به بررسی نیازهای نیروهای دانش‌بنیان به عنوان محرک اصلی و تعیین‌کننده در حوزه‌های دانش‌بنیان، پرداخته شده است، وضعیت فعلی مولفه‌های کیفیت زندگی، برابری اجتماعی و کیفیت مکانی به عنوان معیارهای مهم در جذب نیروهای دانش‌بنیان، در خوشه تمرکز جمعیت-فعالیت‌شناسایی شده در سطح منطقه شش شهرداری تهران با وضعیت مطلوب فاصله دارد. این در حالی است که وضعیت معیار تنوع شهری در این حوزه‌ها مطلوب بوده است. لذا برنامه ریزی در جهت ارتقاء عملکرد اجتماعی-محیطی وضعیت نیروهای دانش‌بنیان در این حوزه‌ها ضروری بوده و مقاله حاضر در پایان به ارائه پیشنهاداتی در این زمینه می‌پردازد.

Dehghani, Haqiqat Nayini, Zebardast (2021) در پژوهشی با عنوان « تحلیل ذینفعان توسعه شهری دانش بنیان (مورد پژوهی: شهر اصفهان) » بیان داشتند که تحقق توسعه شهری دانش بنیان^{۱۳} به عنوان رهیافت توسعه‌ای مبتنی بر استفاده از ابزارهای نوآورانه برای جذب دانشگران و توسعه فعالیت‌های دانش بنیان مستلزم توجه به ابعاد نهادی توسعه به‌ویژه تحلیل ذی‌نفعان کلیدی و به‌کارگیری ابزارهای ظرفیت‌سازی و شبکه‌سازی از طریق گسترش تعامل ذی‌نفعان محلی و تقویت اعتماد و همکاری و انسجام شبکه روابط بین آن‌ها برای ایجاد تغییرات نهادی است. شناسایی و تحلیل ذی‌نفعان کلیدی برای گسترش تعامل ذی‌نفعان محلی و تقویت اعتماد و همکاری شبکه روابط بین آن‌ها برای ایجاد تغییرات نهادی پاسخ‌گوی توسعه شهری دانش بنیان اصفهان است. راهبرد کلی پژوهش، مطالعه موردی و با جهت‌گیری پارادایمی پراگماتیستی است و از نظر هدف کلی کاربردی و از نظر هدف عملیاتی توصیفی-اکتشافی است. از سویی، رویکرد روش‌شناختی پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها ترکیبی و با استفاده از ابزارهایی کمی (آمار پارامتریک) و کیفی همچون مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. همچنین، با استفاده از ماتریس قدرت-منفعت، درکی از میزان و نوع قدرت و منفعت ذی‌نفعان و چگونگی اعمال قدرت آن‌ها با توجه به نوع منافعشان ارائه شده است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که تحقق توسعه شهری دانش بنیان اصفهان منوط به پیگیری منافع مشترک و اجرای اقدامات مشترک بین ذی‌نفعان مختلف است. بدین ترتیب، دسته‌بندی ارائه‌شده برای تحلیل ذی‌نفعان کلیدی توسعه شهری دانش بنیان اصفهان، به دلیل فراهم کردن امکان مقایسه نوع قدرت و منافع ذی‌نفعان و امکان تعریف راهبردهای مشترک و اقدامات هم‌افزایانه ذی‌نفعان بر اساس منافع مشترکشان، ابزار مناسبی برای ظرفیت‌سازی، شبکه‌سازی و ارتقای مشارکت و تعامل بین آن‌ها در فرایند سیاست‌گذاری توسعه شهری دانش بنیان اصفهان می‌باشد.

Obschonka, et al (2023) در پژوهشی با عنوان « نوآوری و سرریزهای دانش بین شهری: ارتباط اجتماعی، جغرافیایی و فناوری و گشودگی روانی » بیان داشتند فعالیت نوآوری محلی نه تنها از مکانیسم‌های سرریز دانش محلی بهره می‌برد، بلکه از اتصال مؤثر به استخرهای دانش خارج از قلمرو محلی نیز بهره می‌برد. این مطالعه بینش‌های جدیدی را در مورد چگونگی انتشار و جذب سرریزهای دانش از شهرهای دیگر (مجموعه‌های دانش) ارائه می‌کند. در حالی که یافته‌های این پژوهش در مورد سرریزهای جغرافیایی نشان می‌دهد که برای اعلام پایان جغرافیا خیلی زود است، یافته‌ها در مورد سرریزهای اجتماعی نشان می‌دهد که جغرافیا دیگر عامل محدود کننده سابق نیست. ارتباط اجتماعی با استخرهای دانش در شهرهای دیگر، و سرریزهای اجتماعی مرتبط، ممکن است نقشی فراتر از نقش نزدیکی فضایی و تمرکز اقتصادی را ایفا کند که تاکنون نادیده گرفته شده است.

El Khatib, et al (2023) در پژوهشی با عنوان « شهر هوشمند دبی به عنوان یک اقتصاد دانش بنیان » بیان داشت که نوآوری، فناوری‌های نوظهور و دیجیتالی شدن تأثیرات قابل توجهی بر جنبه‌های شخصی، اجتماعی، محیطی، شهری و تجاری دارند. این پژوهش ابتکاراتی که توسط امارات متحده عربی برای سرعت بخشیدن به اقتصاد مبتنی بر دانش برای تضمین بهترین تجربه زندگی برای مردم خود انجام شده است را بررسی می‌کند. دانش عامل کلیدی در رشد و گسترش بازار کار است که در آن مهارت‌ها، دانش و تجربه افراد، محرک خلاقیت و نوآوری است و به فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به عنوان یک توانمندساز وابسته است. امارات متحده عربی به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش به منظور حفظ یک اقتصاد متنوع مطابق با "چشم انداز اقتصادی ابوظبی ۲۰۳۰" که در سال ۲۰۰۹ راه اندازی شد، در حال حرکت است. محققان از طریق مروری بر ادبیات نظام مند، دیدگاهی را در مورد تحول اقتصاد و جامعه از طریق نوآوری، استفاده از چارچوب‌های مدیریت اطلاعات و ارتباطات (ICT) و همچنین چارچوب‌های عملکرد دولت ایجاد کرده‌اند. شهر هوشمند دبی نمونه‌ای منحصر به فرد از یک سیستم با کیفیت سطح بالا است که در تلاش است تا دبی را به شادترین شهر روی زمین تبدیل کند. شهر هوشمند دبی پروژه‌های زیادی را برای بهبود زندگی مردم و حمایت از اقتصاد امارات متحده عربی اتخاذ کرده است. این مطالعه چالش‌های مربوط به اجرای پروژه هوشمند و دانش بنیان ساختن دبی را برجسته می‌کند. این مطالعه همچنین دیدگاه روشنی از تبدیل شهرهای هوشمند به یک اقتصاد مبتنی بر دانش ارائه می‌دهد.

روش شناسی

پژوهش حاضر با هدف ارائه تبیین عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان) انجام پذیرفت. این پژوهش از نظر اهداف کاربردی است. از نظر داده‌ها آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) است و از نظر ماهیت و نوع مطالعه، در بعد کیفی داده بنیاد (گردد تئوری) و در بعد کمی پیمایشی مقطعی است. جامعه آماری در بخش کیفی این پژوهش شامل یک گروه ۱۷ نفری از اساتید دانشگاهی در حوزه مدیریت، مدیران شرکت‌های دانش بنیان، مدیران استانداری سیستان و بلوچستان و شهرداری زاهدان بود. برای تعیین حجم نمونه بخش کیفی این پژوهش، پس

از انتخاب یک گروه از متخصصان با روش گلوله برفی، تا نقطه بهینه اشباع نظری ۱۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. جامعه آماری در بخش کمی این پژوهش، شامل تمام کارکنان استانداری استان سیستان و بلوچستان و شهرداری شهر زاهدان بود. برای تعیین حجم نمونه در بخش کمی، از جدول مورگان استفاده شد. بر این اساس ۲۴۸ نفر در این بخش به عنوان حجم نمونه و به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌های کیفی این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. روش گردآوری داده‌ها برای جمع‌آوری داده‌های کمی، پرسشنامه محقق ساخته تایید ابعاد و مولفه‌ها و شاخص‌ها با ۶۹ شاخص برای ۱۵ مولفه و ۶ بُعد با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم طراحی گردید.

برای بررسی روایی در بخش کیفی در وهله اول از روش مثلث‌سازی بهره گرفته شد، در این راستا از طریق گردآوری شواهد از منابع مختلف شامل تئوری‌های گوناگون، منابع اطلاعاتی متنوع و صاحب‌نظران روایی مورد بررسی و تایید قرار گرفت، در ادامه نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش درباره‌ی اعتبار یافته‌ها و تفسیر دریافت شد. برای این کار یافته‌ها، تفسیرها و نتایج پژوهش را در گروهی کانونی متشکل از شرکت‌کنندگان در پژوهش مورد قضاوت قرار گرفت و مورد تایید قرار گرفت. برای پایایی این بخش نیز از درصد توافق استفاده شد. همچنین شاخص استحکام داده‌ها (اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری، تصدیق‌پذیری، راستی، تطابق، فهم‌پذیری، کنترل‌پذیری، عمومیت) مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کمی نیز برای سنجش روایی، از روایی واگرا و همگرا و به جهت پایایی از آلفای کربناخ استفاده گردید.

میانگین زمانی مصاحبه‌ها ۷۸ دقیقه بود. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل گزند تئوری و همزمان با جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. بدین ترتیب که پس از انجام مصاحبه‌ها ابتدا متن‌نوارها پیاده شد. پس از آن یک نسخه از کدهای استخراج شده برای مصاحبه شونده ارسال و تایید شد. جهت آشنایی با داده‌ها و غرق شدن، داده‌ها چندین مرتبه بازخوانی گردید بدین ترتیب کدهای اولیه شناسایی و کدهای اولیه مشابه در یک طبقه کنار هم قرار گرفتند و طبقات اولیه شکل گرفت. این طبقات درهم ادغام شده و درون مایه‌ها را تشکیل دادند. همچنین جهت اطمینان از صحت داده‌های جمع‌آوری شده، درگیری طولانی مدت و عمیق داده‌ها وجود داشت. بعلاوه، دو پژوهشگر دیگر علاوه بر پژوهشگران اصلی، در تحلیل داده‌ها مشارکت داشتند. برای افزایش تاییدپذیری مجدداً به مشارکت کنندگان مراجعه می‌گردید. داشتن حداکثر تنوع در نمونه‌گیری و دیدارهای طولانی، راه‌های دیگر افزایش اعتبار داده‌ها بودند. از همان مصاحبه اولیه کدها و طبقات فرعی شکل گرفتند و سپس کاهش داده‌ها در تمام واحدهای تحلیل (کدها) ادامه یافت تا درون مایه‌ها ظهور یافتند. مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. تحلیل محتوای کیفی با نرم افزار MAXQDA12 انجام شد. برای تحلیل عاملی تاییدی از نرم افزار Smart pls4 و برای تعیین اعتبار مدل از نرم افزار SPSS25 استفاده شد. در این پژوهش اخذ رضایت نامه آگاهانه، حفظ اطلاعات هویتی و رعایت امانت‌داری در پیاده‌سازی محتوای مصاحبه‌ها به عنوان ملاحظات اخلاقی مد نظر قرار گرفت.

یافته‌ها

پاسخ سوال اول: عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان) کدامند؟ در ابتدا شناسایی عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان) انجام شد که در نهایت با ۶۹ شاخص و ۱۵ مولفه برای استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان) صورت پذیرفت که تمام شاخص‌ها را براساس داده بنیاد (گرنند تئوری) ارائه شده است.

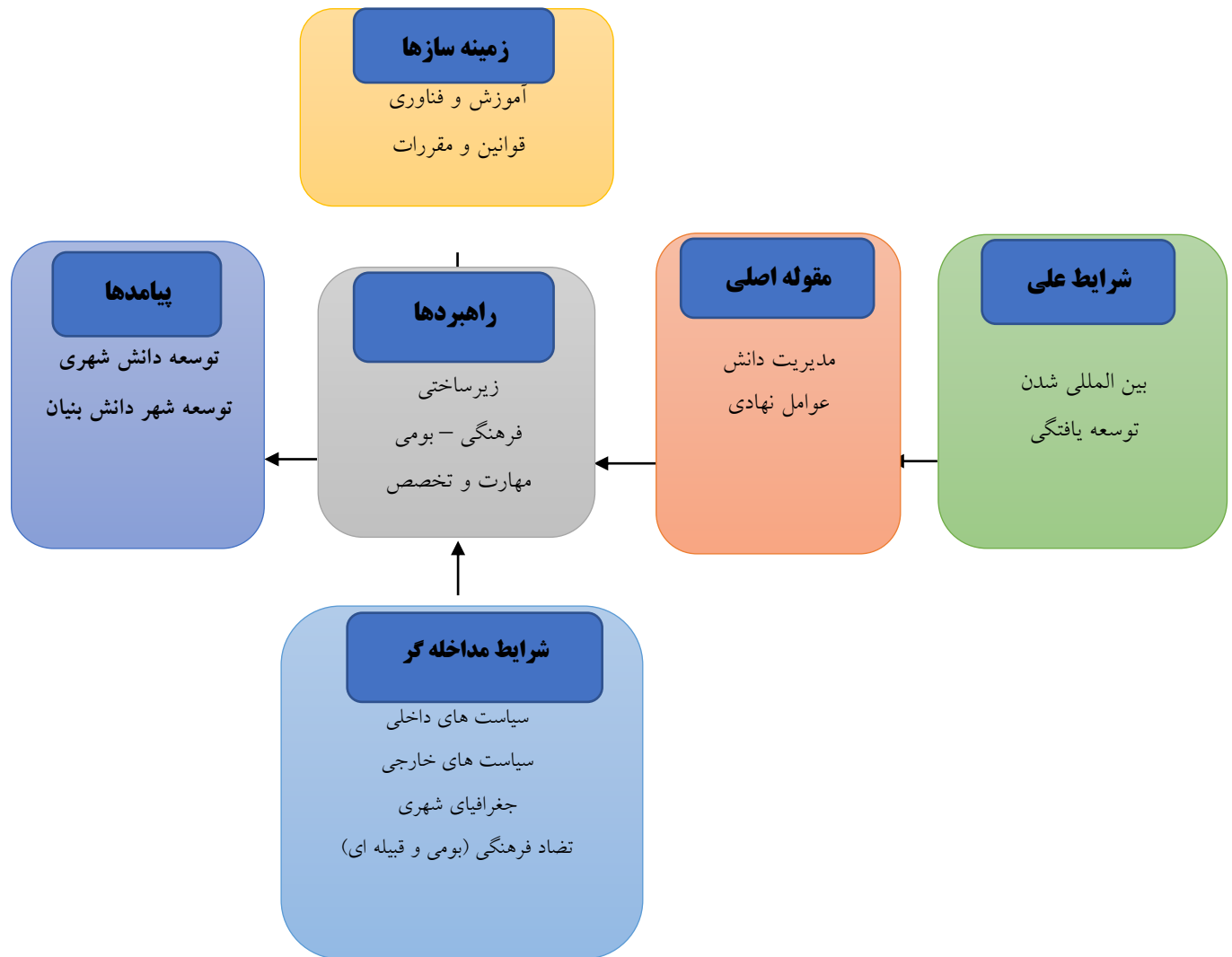
جدول ۱. عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان)

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	کدها
بین‌المللی شدن		۱) رقابت با شهرهای پیشرفته دنیا	11, 110, 16, 15, 14, 115, 13, 111
		۲) جذب استعدادهای ویژه از کشورهای همسایه	
		۳) ارتباط فرهنگی و اقتصادی با کشورهای پیشرفته	
		۴) آشنایی با بازاریابی بین‌الملل و اهمیت به تحقیق و توسعه	
توسعه یافتگی		۵) زندگی با کیفیت خوب	16, 118, 15, 12, 13, 116, 14, 111, 113, 114, 117
		۶) حکمرانی نوین	
		۷) آسایش و امنیت روانی و فیزیکی	
		۸) محیط زیست	
		۹) امنیت شغلی	

110, 13, 111, 14, 115, 11, 18, 12, 116	<p>۱۰) ایجاد دانش</p> <p>۱۱) ذخیره سازی دانش</p> <p>۱۲) اشتراک گذاری دانش</p> <p>۱۳) ارزیابی دانش</p> <p>۱۴) کاربرد دانش</p>	مدیریت دانش	بنیاده اصلی
113, 114, 116, 115, 11, 18, 13, 111, 14	<p>۱۵) تعامل اجتماعی</p> <p>۱۶) شبکه سازی</p> <p>۱۷) توجه به سرمایه، فرهنگ و هنر</p> <p>۱۸) انسجام و برابری اجتماعی</p>	عوامل نهادی	
11, 13, 15, 14, 12, 111, 113, 110, 115, 114, 112, 116	<p>۱۹) آموزش مردم در زمینه استفاده از فناوری های نوین</p> <p>۲۰) آموزش های فرهنگی متناسب با شهر زاهدان</p> <p>۲۱) آموزش دانش های روز دنیا به دانشجویان و دانش آموزان</p> <p>۲۲) آموزش دانش های روز به معلمان و اساتید دانشگاه</p> <p>۲۳) آموزش کاربرد دانش ها به اساتید و دانشجویان</p> <p>۲۴) ایجاد دانشگاه های معتبر برای جذب دانشجویان داخلی و خارجی</p>	آموزش و فناوری	عوامل زمینه ساز
110, 115, 11, 17, 13, 14, 116, 15, 117, 18, 111, 113, 114	<p>۲۵) الزام قانونی برای همکاری عموم مردم</p> <p>۲۶) امکان تدوین یا اصلاح ضوابط در سطح محلی</p> <p>۲۷) آگاهی از نقش، جایگاه و مأموریت خود و دیگران</p> <p>۲۸) تصویب قوانین عادلانه و منصفانه</p> <p>۲۹) تصویب قوانین و مقررات مربوط به استخدام (شایسته گزینی و شایسته پروری)</p>	قوانین و مقررات	
14, 112, 111, 13, 15, 11, 12, 113, 114, 17, 19, 18, 110, 115	<p>۳۰) توسعه فناوری های اطلاعات</p> <p>۳۱) توانایی های رایانه ای</p> <p>۳۲) پهنای باند اینترنت</p> <p>۳۳) اینترنت پرسرعت</p> <p>۳۴) قیمت مناسب برای خدمات اینترنتی</p> <p>۳۵) استفاده از تکنولوژی های نوین در سطح شهر</p> <p>۳۶) منابع انسانی ماهر</p> <p>۳۷) به کارگیری مدیران با تجربه</p>	زیرساختی	شرایط راهبردی
11, 115, 13, 14, 111, 15	<p>۳۸) آزادی افراد برای حفظ و کاربرد زبان بومی</p> <p>۳۹) آشنایی با فرهنگ های مختلف درون شهری</p>	فرهنگی - بومی	
115, 11, 12, 14, 111, 13, 15	<p>۴۰) تناسب تخصص، مهارت و توانمندی افراد با شغل آنها</p> <p>۴۱) مهارت های تجربی و سنتی خاص شهر</p>	مهارت و تخصص	
17, 113, 19, 12, 16, 110, 116, 15, 11, 114, 115, 112, 14, 117, 13	<p>۴۲) تدوین سیاست های داخلی نامتناسب با فرهنگ شهری زاهدان</p> <p>۴۳) بکارگیری مدیران ارشد سازمان های کلیدی (استانداری و فرمانداری و شهرداری)</p> <p>ناآشنا به فرهنگ زاهدان</p> <p>۴۴) تدوین قوانین مالیاتی نامتناسب با سطح درآمد و مشکلات شهری زاهدان</p> <p>۴۵) تصویب بودجه های نامتناسب با موقعیت جغرافیایی شهر زاهدان</p> <p>۴۶) اتخاذ تصمیمات بدون توجه به تفاوت های بین فرقه ای (سنی و شیعه)</p> <p>۴۷) حمایت نکردن از کسب و کارهای دانش بنیان</p> <p>۴۸) نگاه برنامه ریزی راهبردی کوتاه مدت</p>	سیاست های داخلی	شرایط مداخله گر
116, 19, 110, 114, 115, 16, 11, 12, 113, 112, 18, 13	<p>۴۹) جلوگیری از ورود شرکت های خارجی به شهرهای کمتر توسعه یافته</p> <p>۵۰) جلوگیری از سرمایه گذاری خارجی در کسب و کارهای کوچک و متوسط شهرهای کمتر توسعه یافته</p> <p>۵۱) جلوگیری حضور مهندسان خارجی در شهرهای کمتر توسعه یافته</p> <p>۵۲) محصور کردن سطح آموزش دانشگاهی به درون شهری و استانی</p>	سیاست های خارجی	
111, 12, 117, 110, 14, 15, 13, 114, 11	<p>۵۳) آب و هوای شهر زاهدان (خشک و گرم)</p> <p>۵۴) گرد و خاک ها به دلیل وجود کویر</p> <p>۵۵) همجواری با کشورهای افغانستان و پاکستان</p>	جغرافیای شهری	

11, 15, 14, 115, 13, 111	<p>۵۶) وجود دو فرهنگ بلوچ و فارس در یک جغرافیا</p> <p>۵۷) وجود دو فرقه ی سنی و شیعه در یک جغرافیا</p> <p>۵۸) تفاوت فرهنگی با دو کشور همسایه (افغانستان و پاکستان)</p>	تضاد فرهنگی (بومی و قبیله ای)
17, 13, 110, 19, 111, 15, 112, 116	<p>۵۹) افزایش سطح سواد و اطلاعات مردم در سطح شهر</p> <p>۶۰) افزایش دانش عمومی مردم نسبت به شناخت شهر و مسائل شهرنشینی نوین</p> <p>۶۱) توسعه فرهنگ و جوّ اشتراک گذاری دانش و تجربه در شهر</p> <p>۶۲) تشویق تولید، به اشتراک گذاری و استفاده از دانش</p>	توسعه دانش شهری
13, 14, 111, 15, 112, 11, 12, 110, 115, 18	<p>۶۳) ارتقاء کیفیت پژوهش های کاربردی</p> <p>۶۴) کیفیت فضای کالبدی شهر برای گفتگوی افراد و انتقال تجربیات</p> <p>۶۵) توسعه روابط کاری در شهر</p> <p>۶۶) مشارکت کنشگران با یکدیگر در تصمیم گیری</p> <p>۶۷) میزان فضاهای شهری مناسب برای حضور و گفتگوی افراد و انتقال تجربیات</p> <p>۶۸) آمادگی بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در فعالیتهای نوین و خاص</p> <p>۶۹) افزایش قدرت اقتصادی و توانایی مالی کنشگران</p>	توسعه شهر دانش بنیان

شکل ۱



شکل ۱. مدل پارادایمی (Strauss, Corbin, 1998) عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته

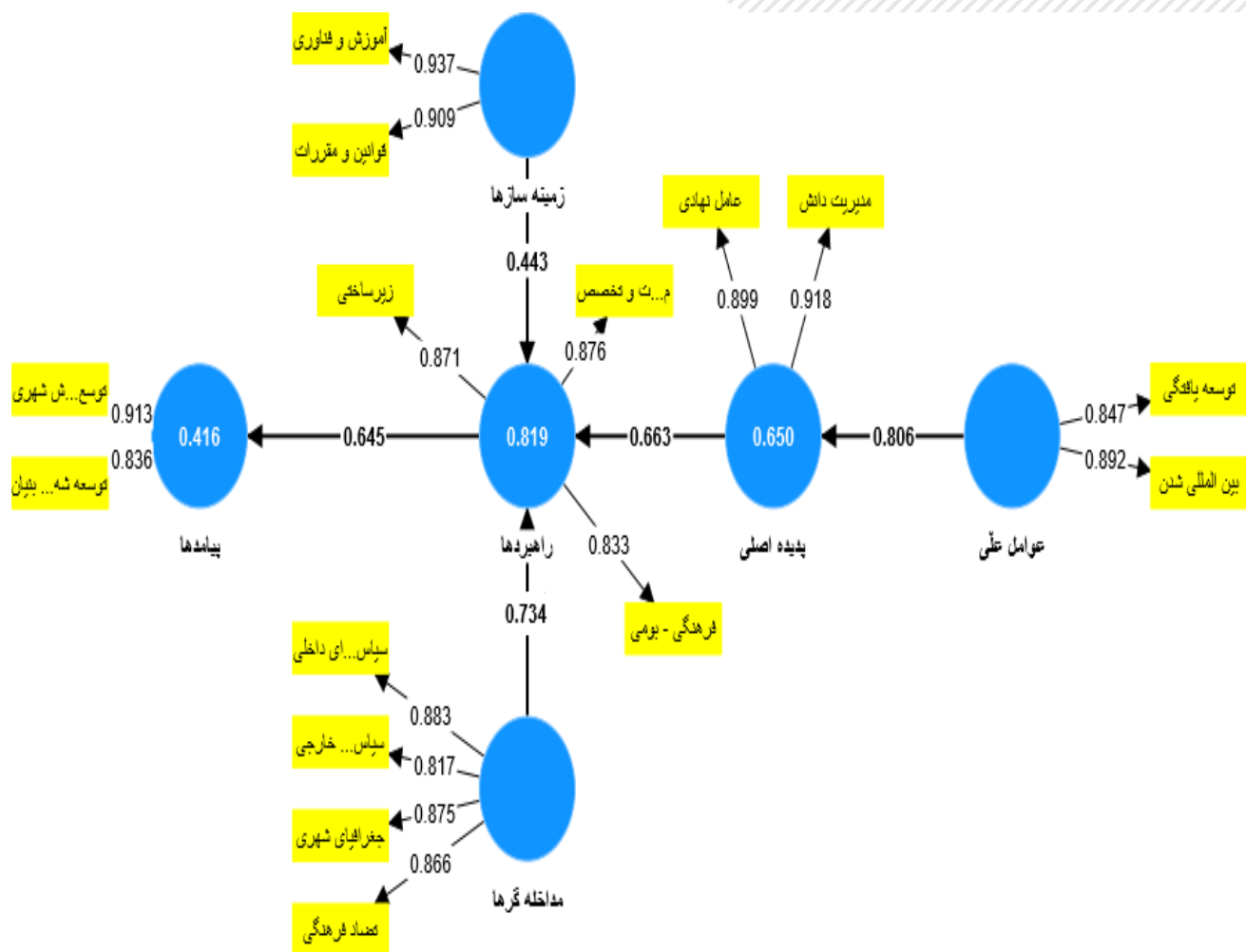
پاسخ سوال دوم: وضعیت موجود عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان) چگونه است؟ برای پاسخ به سوال دوم و سنجش وضعیت موجود از روش کمی استفاده شد. با توجه به نتایج بخش کیفی پرسشنامه محقق ساخته با ۱۵ مولفه و ۶۹ شاخص بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت طراحی و بین نمونه آماری توزیع گردید و نتایج برای بررسی وضعیت موجود در نرم افزار SPSS25 با آزمون تی تک نمونه مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. وضعیت موجود عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته

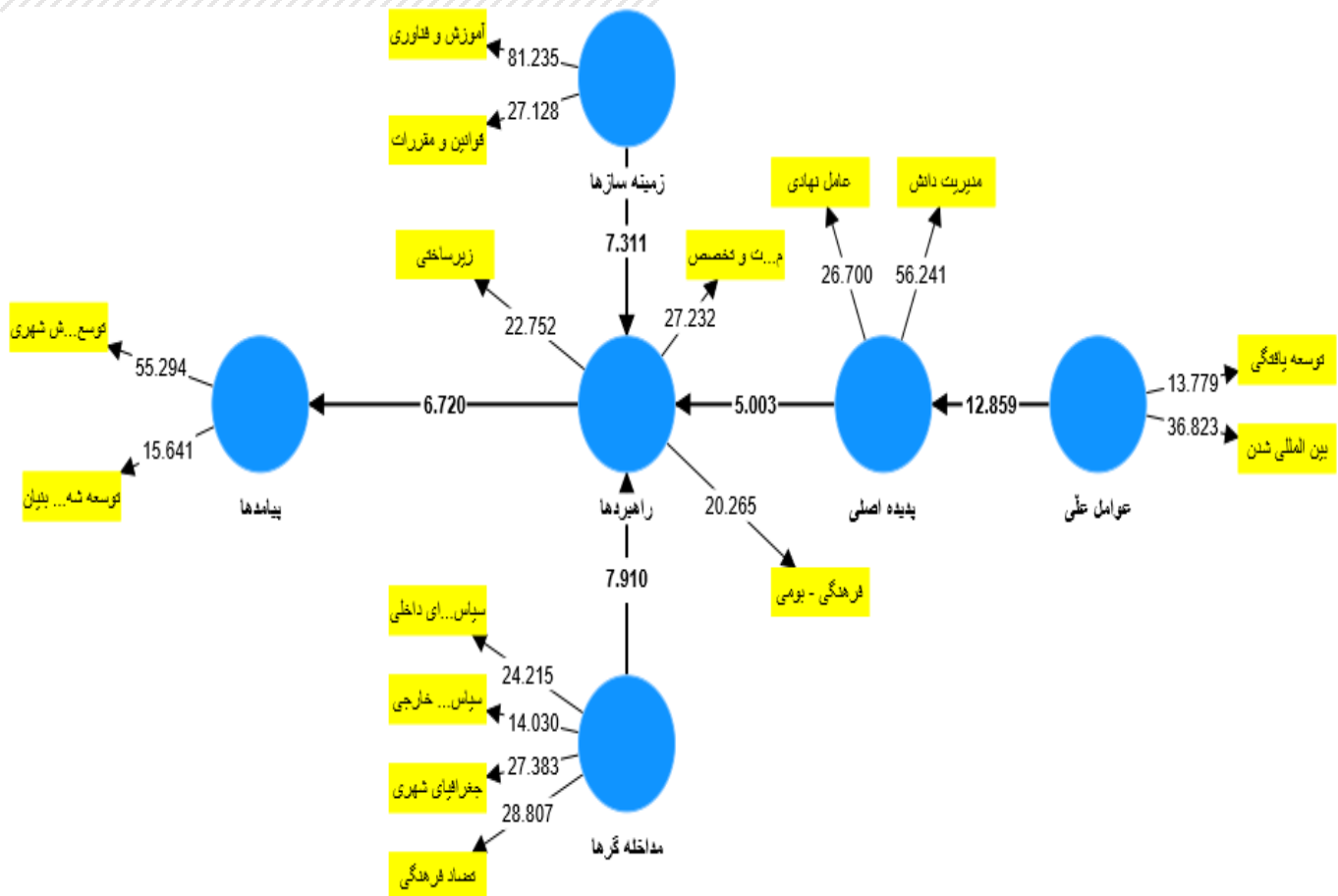
متغیرها	مولفه ها	میانگین	میانه	نما	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین	بیشترین
عوامل علی	بین المللی شدن	۳,۶۰۷۲	۳,۵۰۰	۳,۵۷۰	۶۵۰۲۶	-۰,۰۳۹	۱,۰۵۸	۱	۴,۰۹۴
	توسعه یافتگی	۳,۵۷۹۷	۳,۴۰۰	۴,۲۰۰	۰,۶۵۴۲۳	-۰,۰۸۴	۱,۰۱۸	۱	۵
	مجموع	۳,۵۶۰	۳,۵	۳,۸۶۲۲۵	۰,۶۲۱۹۶	-۰,۰۳۸	۱,۰۴۷	۱	۵
پدیده اصلی	مدیریت دانش	۳,۶۱۲۵	۳,۶۰۰	۳,۶۷۰	۰,۵۳۷۵۲	-۰,۰۷۴	۱,۰۲۱	۱	۵
	عوامل نهادی	۳,۵۱۳۳	۳,۴۲۱	۴,۳۳	۰,۷۸۵۶۳	-۰,۰۰۹	۱,۰۹۱	۱	۵
	مجموع	۳,۵۷	۳,۰۷	۳	۰,۰۷	۰,۳۵-	۰,۰۷۸	۱	۵
بستر سازها (زمینه)	آموزش	۳,۰۱۸	۳,۰۲	۳	۰,۰۶۱	-۰,۰۳۸	۰,۰۷۶	۱	۵
	قوانین و مقررات	۳,۰۲۷	۳,۰۲۵	۳	۰,۰۷۱	-۰,۰۴۲	۰,۰۸۵	۱	۵
	مجموع	۳,۲۳	۳,۰۱۶	۳	۰,۰۷۰	-۰,۰۴۹	۰,۰۷۴	۱	۵
شرایط راهبردی	زیرساختی	۳,۰۱۷	۳	۳	۰,۰۷۱	-۰,۰۳۴	۱,۰۲۶	۱	۵
	فرهنگی- بومی	۳,۰۲۳	۳	۳	۰,۰۸	-۰,۰۲۹	۰,۰۴	۱	۵
	مهارت و تخصص	۳,۴۴۱۷۲	۳,۶۰۴۸	۳,۸۵۳۴	۰,۰۷۱	-۰,۰۶۱	۱,۰۳۸	۱	۴,۰۹۷
شرایط مداخله گر	مجموع	۳,۴۴	۳,۰۰۶	۳	۰,۰۷۵	-۰,۰۳۲	۰,۰۸۰	۱	۵
	سیاست های داخلی	۳,۰۰۱	۳	۳	۰,۰۰۶	-۰,۰۰۳	۱,۰۲	۱	۵
	سیاست های خارجی	۳,۰۰۷	۳,۰۲	۳	۰,۰۷۴	-۰,۰۶۱	۱,۰۴۴	۱	۵
نتایج (پیامدها)	جغرافیای شهری	۳,۰۱۸	۳,۰۲	۳	۰,۰۶۱	-۰,۰۳۸	۰,۰۷۶	۱	۵
	تضاد فرهنگی (بومی و قبیله ای)	۳,۰۲۷	۳,۰۲۵	۳	۰,۰۷۱	-۰,۰۴۲	۰,۰۸۵	۱	۵
	مجموع	۳,۰۰۴	۳,۰۰۹	۳	۰,۰۶۶	-۰,۰۴۲	۱,۰۳۲	۱	۵
نتایج (پیامدها)	توسعه دانش شهری	۳,۰۲۱	۳,۰۰۶	۳	۰,۰۵۵	-۰,۰۰۲	۱,۰۷۱	۱	۵
	توسعه شهر دانش بنیان	۳,۰۲۲	۳,۰۱۷	۳	۰,۰۶۹	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۳	۱	۵
	مجموع	۳,۰۲۱۵	۳,۰۰۹	۳	۰,۰۶۷	-۰,۰۱۴	۱/۰۶	۱	۵

متغیرهای پژوهش طبق نتایج جدول فوق حاکی از آن است که از بین متغیرهای پژوهش، بیشترین میانگین (۳/۵۷) با انحراف معیار (۰/۷) به متغیر پدیده اصلی و کمترین میانگین (۳/۰۴) با انحراف معیار (۰/۶۶) به متغیر شرایط مداخله گر اختصاص داشت.

پاسخ سوال سوم: اولویت بندی عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته (مورد مطالعه: شهر زاهدان) چگونه است؟ برای پاسخ به این سوال در نمونه اصلی به تعداد ۲۴۸ نفر پرسشنامه توزیع گردید و نتایج آن به روش معادلات ساختاری نمایش داده شد.



شکل ۲. بار عاملی و ضریب تعیین عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته



شکل ۳. ضریب معناداری عوامل موثر بر استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته

کیفیت الگوی ساختاری فوق توسط شاخص قدرت پیش بینی Q^2 نیز محاسبه شد، هدف این شاخص بررسی توانایی مدل ساختاری در پیش بینی کردن به روش چشم پوشی^{۱۴} می باشد که براساس این ملاک، مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون زا انعکاسی را پیش بینی کند. مقادیر مثبت و بالای صفر نشان می دهند که مقادیر مشاهده شده خوب بازسازی شده اند و می توان گفت مدل ساختاری از کیفیت مناسبی برخوردار است. این معیار توسط Stone (1975) Geisser معرفی شد. قدرت پیش بینی، شاخص های مربوط به سازه های درون زای مدل را مشخص می سازد. Hensler. Ringle. Sinkovics (2009) در مورد شدت قدرت پیش بینی مدل سه مقدار ۰/۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین نموده اند. شاخص نیکوی برازش^{۱۵} هر دو مدل اندازه گیری و ساختاری را مد نظر قرار می دهد و به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل به کار می رود که مقدار بدست آمده از مطلوبیت کلی مدل حکایت دارد. این معیار مربوط به بخش کلی مدل های معادلات ساختاری است که پس از بررسی برازش بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید که توسط Tenenhaus. Amato. Esposito Vinzi (2004) ابداع گردید و طبق فرمول زیر محاسبه می شود. سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را بعنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی شده اند.

$$\sqrt{0.732 \times 0.709} = 0.721 = \sqrt{\text{روایی همگرا} \times \text{نیکیوی برازش ضریب تعیین}}$$

جدول ۳. شاخص های کیفیت مدل ساختاری

متغیرهای مکنون	روایی همگرا	ضریب تعیین	قدرت پیش بینی Q^2	نیکیوی برازش
----------------	-------------	------------	---------------------	--------------

¹⁴ Blindfolding

¹⁵ goodness-of-fit GOF

	-	-	۰۰۸۴۸	شرایط علی
	-	-	۰۰۷۵۴	عوامل زمینه ای
۰/۷۲۱	-	-	۰۰۶۵۱	شرایط مداخله گر
	۰/۷۸۰	۰۰۴۹۴	۰۰۷۲۵	پدیده اصلی
	۰/۶۹۳	۰۰۳۶۲	۰۰۷۴۲	راهبردها
	۰/۶۵۵	۰۰۲۹۶	۰۰۶۷۰	نتایج

با توجه به جدول بالا مقدار قدرت پیش بینی بدست آمده مربوط به متغیرهای وابسته مدل از ضریب مناسبی برخوردار است و مقدار نیکوی برازش بدست آمده از ضریب مطلوبی برخوردار است که مقادیر بدست آمده از مطلوبیت کلی مدل حکایت دارد. در این مرحله با استفاده از مدل ساختاری روابط بین سازه‌ها به لحاظ علی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع با در نظر گرفتن نتایج بررسی روابط بین سازه‌های مستقل و وابسته با استفاده از ضریب مربوطه می‌توان به بررسی معنی دار اثرات بین سازه‌های تحقیق پرداخت. همچنین از آزمون بوت استراپ (با ۵۰۰ زیر نمونه) و برای اصلاح خطای از تغییرات سطح سازه^{۱۶} که در روش حداقل مربعات جزئی توصیه شده (Mohsenin, Esfidani, 2014)، برای محاسبه مقادیر T و معناداری غیر مستقیم جهت تعیین معناداری ضرایب مسی‌را استفاده شد.

جدول ۴. مدل ساختاری استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه

فرضیه‌ها	ضریب مسیر	اولویت بندی	ضریب تی	ضریب تعیین	اندازه اثر	سطح معناداری
شرایط علی ← پدیده اصلی	۰۰۸۰۶	۱	۱۲/۸۵۹	۰۰۹۲۱	۰۰۹۶۹	۰۰۰۰۱
عوامل زمینه ای ← راهبردها	۰۰۴۴۳	۵	۷/۳۱۱		۰۰۷۳۳	۰۰۰۰۱
مداخله گر ← راهبردها	۰۰۷۳۴	۲	۷/۹۱۰	۰۰۸۰۳	۰۰۶۷۳	۰۰۰۰۱
پدیده اصلی ← راهبردها	۰۰۶۶۳	۳	۵/۰۰۳		۰۰۷۵۹	۰۰۰۰۱
راهبردها ← پیامدها	۰۰۶۴۵	۴	۶/۷۲۰	۰۰۸۹۶	۰/۸۵۱	۰۰۰۰۱

تحلیل ساختاری الگوی استقرار شهر دانش بنیان در شهرهای کمتر توسعه یافته ارزیابی شد. همانطور که در جدول بالا نمایان است، شرایط علی بر پدیده اصلی ($\beta=0.806$, $t=12.859$, $p<0.001$) اثر مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین با افزایش شرایط علی منجر به افزایش پدیده اصلی می‌شود. همچنین عوامل زمینه ای بر راهبردها ($\beta=0.443$, $t=7.311$, $p<0.001$) اثر مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین با افزایش عوامل زمینه ای منجر به افزایش بر راهبردها می‌شود. همچنین شرایط مداخله گر بر راهبردها ($\beta=0.734$, $t=7.910$, $p<0.001$) اثر مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین با افزایش شرایط مداخله گر منجر به کاهش راهبردها می‌شود. همچنین پدیده اصلی بر راهبردها ($\beta=0.663$, $t=5.003$, $p<0.001$) اثر مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین با افزایش پدیده اصلی به افزایش بر راهبردها می‌شود. همچنین راهبردها بر پیامدها ($\beta=0.645$, $t=6.720$, $p<0.001$) اثر مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین با افزایش راهبردها منجر به افزایش بر پیامدها می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

در جهان امروز ابزارهای فناوری و همچنین توسعه اقتصادی یکی از عوامل توسعه شهری و در نهایت توسعه جهانی است. همچنین در گذار به دوره‌ی مدرنیته، دانش و مدیریت دانش در تنظیم و تطبیق ارزش دانش بنیان یا سرمایه‌های هوشمندی اهمیت فزاینده‌ای یافته است و دانش به عنوان یکی از نهاده‌های اصلی تولید و از با ارزش‌ترین دارایی‌های کسب و کار که بایستی به طور موثر و کارآمد برای دستیابی به مزیت رقابتی در عرصه اقتصاد دانش، جامعه دانش و شهروندان دانش مدیریت شود، تلقی می‌گردد. بدین ترتیب، با تحول عظیم مفهوم توسعه، ارزش متصل به دانش، نیروی محرک توسعه شهری و تغییر دهنده ساختار فضایی شهرها از طریق ایجاد فرصت برای تولید و مبادله دانش و نوآوری میان شهروندان مطرح گردیده است. از طرفی سیاست‌های اتخاذ شده توسط حاکمان کشورهای توسعه یافته، اکثر کشورها را برآن داشته که برای رسیدن و استفاده بهینه از تکنولوژی‌های روز دنیا در

کسب و کاربرد دانش و در نهایت رسیدن به شهر دانش بنیان تلاش مضاعف کنند. ایران نیز از این امر مستثنی نبوده است و در تلاش است با تشکیل شرکت ها و موسسات دانش بنیان این امر را تسری دهد. ولی در شهرهای کمتر توسعه یافته مانند زاهدان این امر محقق نشده است. بر همین اساس در این پژوهش به بررسی عوامل استقرار شهر دانش بنیان در شهرهای کمتر توسعه یافته پرداخته شد.

از مشکلات علوم انسانی در اکثر جوامع غیر غربی به ویژه کشور ما نداشتن نظریه‌های بومی بر پایه نظام مدیریتی جامعه است. دلایل متعددی وجود دارد که باعث عدم دسترسی ما به نظریه‌های بومی می‌شود که یکی از آنها کاربرد روش پژوهش می‌باشد. در جامعه فعلی ما اکثر پژوهش‌ها به روش کمی که در پارادایم اثبات‌گرایی معنی دارد انجام می‌شود. بر این باوریم که در صورتی که تحقیقات به صورت کیفی که منجر به شناخت عمیق از پدیده‌ها و افراد می‌شود صورت گیرد امکان ایجاد نظریه را برای پژوهشگران و جامعه علمی کشور فراهم می‌سازد.

از جنبه‌های نوآورانه‌ی این پژوهش می‌توان به روشی که در ساخت الگو استفاده شده یعنی روش کیفی و رویش نظریه نام برد. چرا که اکثر الگوهایی که ساخته شده‌اند از رویکرد کیفی فاصله گرفته و به سمت رویکردهای کمی پیش رفته‌اند. بکارگیری نرم‌افزار مکس کیو دی ای را نیز می‌توان بکارگیری فن‌آوری روز دنیا در ساخت نظریه‌ی این پژوهش دانست.

از زمانی که دانش بنیان به عنوان یکی از موضوعات مهم در حوزه مدیریت و سازمان مطرح گردید؛ رویکردها و نگرش‌های مختلفی از سوی اندیشمندان این حوزه در ارتباط با شهر دانش بنیان ارائه شده است که این مسئله باعث به وجود آمدن الگوها و تعاریف گوناگونی برای توسعه شهر دانش بنیان گردید. روش‌هایی که برای طراحی این الگو استفاده شده است هم روش‌های کمی و هم روش‌های کیفی بوده که حرکت این پژوهش‌ها بیشتر به سمت رویکردهای کمی پیشروی کرده‌اند.

در این پژوهش ما یافته‌های علمی و همچنین مدل‌های طراحی شده در حوزه غربی را می‌پذیریم و ضمن احترام به یافته‌های این پژوهشگران تنها به دلیل اینکه خاستگاه این نظریه‌ها، شناخت شهر دانش بنیان در زمینه فرهنگی آن کشورها است نه مبتنی بر تصمیمات مرتبط با فرهنگ ایرانی و بومی؛ قسمت‌هایی از این نظریه‌ها را پذیرفته و بخش‌های دیگری که این مولفه‌ها را به فرهنگ بومی نزدیک می‌کنند به آن افزوده ایم.

نتایج پژوهش نشان داد که در بخش کیفی ۶ بُعد به عنوان ابعاد اصلی برای متغیرهای برگرفته از رویکرد گرنند تئوری معرفی شده است. برای بُعد علی دو مقوله شرایط توسعه یافتگی و بین‌المللی شدن؛ برای بُعد مقوله‌های اصلی دو مقوله مدیریت دانش و عامل نهادی؛ برای بُعد زمینه ساز دو مقوله آموزش و فناوری و قوانین و مقررات؛ برای بُعد مداخله گر نیز چهار مقوله سیاست‌های داخلی، سیاست‌های خارجی، جغرافیای شهری و تضاد فرهنگی؛ برای بُعد راهبردی سه مقوله زیرساختی، فرهنگی - بومی و مهارت و تخصص و برای بُعد پیامدها نیز دو مقوله توسعه دانش شهری و توسعه شهر دانش بنیان شناسایی شد. نتایج بخش کمی نشان داد که کلیه پارامترهای مدل در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار دارند. همچنین نتایج حاصل از آزمون رگرسیون و مدل خروجی نشان می‌دهد همبستگی بین شرایط علی و پدیده اصلی با ضریب (۰,۸۰۶) بیشترین تاثیر را نسبت به روابط دیگر متغیرها دارد. در مقایسه یافته‌های این پژوهش در پاسخ به سوال‌های مطرح شده با نتایج مطالعات دیگر پژوهشگران، می‌توان به تحقیقات انجام شده توسط Dehghani, Haqiqat (2021) Nayini, Zebardast (2021) Shie, et al (2021) Hosseinpour, et al (2021) Tabibi, et al (2020) Miao (2022) همسویی دارد.

از جمله پیشنهاد های پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- نیازسنجی در نحوه ایجاد و توسعه شهر دانش بنیان انجام شود.

۲- سیاست‌های تشویقی جهت تدوین شاخص‌های کیفی برای مدیران شهرهای بزرگ در جهت توسعه دانش در شهرهای کمتر توسعه یافته اتخاذ شود.

۳- نیاز است به منظور توسعه و پیشرفت شهرهای دانش بنیان در سطح کشور، در اجرای سیاست‌های توسعه این فرآیند، ثبات وجود داشته باشد و هماهنگی بین بخش‌های مختلف در این زمینه صورت گیرد.

۴- نیاز است که مسئولین و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان در سطح دولت که تصمیم‌گیرندگان عالی هستند، با تدوین قوانین و مقررات شفاف، دغدغه فکری سرمایه‌گذاران و موسسین مراکز دانش بنیان را برطرف کنند.

۵- نیاز است سیاست‌ها و قوانین به منظور هرچه واقع‌بینانه بودن و همچنین فراهم نمودن زمینه موفقیت مدیران در تصمیم‌گیری استراتژیک، قوانین و مقررات مربوط با دانش بنیان شدن شهرهای کمتر توسعه یافته، با مشارکت ذینفعان و دست‌اندرکاران تدوین شود.

۶- در راستای سرمایه‌گذاری در زمینه دانش بنیان نمودن شهرهای کمتر توسعه یافته و وضعیت‌داری‌های مالی مراکز دانش بنیان و موسسات تولیدی مورد ارزیابی قرار گیرد و قوانین و مقررات شفاف تدوین شود تا افراد با آگاهی کامل اقدام به سرمایه‌گذاری و همچنین ثبت نام به عنوان مصرف‌کننده در این بخش کنند.

۷- شهرها به خصوص شهر زاهدان را به تجهیزات فناوری و تکنولوژی نوین مجهز کنند.

۸- به منظور فرهنگ سازی و نزدیکی فرهنگی و سازش فرهنگی دوره‌هایی را برای مردم و مدیران تدوین کنند.
۹- تحلیل محتوای درسی در دانشگاه‌ها برای تشویق دانشجویان و مدیران به توسعه دانش بنیان در شهرهای کمتر توسعه یافته.
۱۰- تدوین سیاست‌های داخلی و خارجی بر اساس شاخص‌های ارائه شده در این پژوهش به منظور خروج این عوامل از حالت مداخله‌گر به تسهیل کننده.

۱۱- ارائه راهکاری توسط نیروهای نظامی برای کنترل قاچاق و جلوگیری از عبور و مرورهای غیرقانونی به دلیل ایجاد نظم در سطح اقتصاد.

۱۲- تشویق مردم به رعایت فرهنگ‌های اولیه مانند رعایت حقوق دیگران، عدالت، انصاف و افزایش دانش آنها نسبت به خود و دیگران.

۱۳- تشویق مردم به مطالعه و فرهنگ مطالعه.

همچنین لازم است دولت به منظور تغییر در نحوه استقرار شهر دانش بنیان در مناطق کمتر توسعه یافته مانند زاهدان و یا غلبه بر این چالش‌های پیش رو، تغییرات زیر را در نظام‌های مدیریتی و ساختاری خود اعمال نمایند:

- جذب و شناسایی و ارتقاء مدیران تحول‌گرا (پاییند به اصول اخلاقی در زمینه دانش شهری)
- توسعه و پرورش مدیران حامی استفاده از ابعاد استقرار شهر دانش بنیان
- توانمند سازی مدیران در موضوع مدیریت و تصمیم‌گیری استراتژیک و آشنا سازی آنها با ابعاد و مولفه‌های پیش رو با برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت
- سازماندهی متناسب با تغییر
- آماده سازی زیر ساخت‌های مدیریت دولتی و منابع انسانی در سطح کلان و خرد

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از همه کسانی که سهمی در این مطالعه داشتند به‌ویژه مصاحبه‌شوندگان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر تشکر و قدردانی نمایند.

References

- Chorev N, Ball A. C. (2022). The Knowledge-Based Economy and the Global South. *Annual Review of Sociology*, 48: 139-152.
- Dehghani M, Haqigat Nayini Gh, Zebardast E. (2021). Analysis of the beneficiaries of knowledge-based urban development (case study: Isfahan city). *Human Geography Research*, 53(1): 323-341. DIO: 10.22059/jhgr.2020.280961.1007921.
- Duarte Alonso A, O'Shea M, Kok S K. (2022). Managing knowledge in the context of gastronomy and culinary tourism: A knowledge-based view. *Tourism Recreation Research*, 47(2): 145-159.
- El Khatib M, Abidi N, Al-Nakeeb A, et al. (2023) Dubai Smart City as a Knowledge Based Economy. The Effect of Information Technology on Business and Marketing Intelligence Systems, Part of the Studies in Computational Intelligence book series (SCI, volume 1056) pp 1657–1672
- Hensler J, Ringle C, Sinkovics R. (2009). The use of partial least square based multi group analysis: in. *advance in international marketing* 20.
- Hosseinpour M, Rezaei B, Bakhsham M Karimi, H. (2021). Designing a model for the creation and development of knowledge-based companies in Kermanshah city with the foundation's data theorizing approach. *Karafan Scientific Quarterly*. 2(13): 13-29.
- Malik A, Budhwar P, Kandade K. (2022). Nursing excellence: A knowledge-based view of developing a healthcare workforce. *Journal of Business Research*, 144: 472-483.
- Miao J T. (2022). Interface of property and knowledge-based economic development. In *A Research Agenda for Real Estate* (pp. 41-57). Edward Elgar Publishing.
- Moftian N, Gheibi Y, Khara R, et al. (2022). The effects of a spiral model knowledge-based conversion cycle on improving knowledge-based organisations performance. *International Journal of Knowledge Management Studies*, 13(1): 71-89.
- Mohsenin Sh, Esfidani M R. (2014), *Structural equations based on the partial least squares approach with the help of educational and practical Smart-PLS software*, Tehran, Mehraban Publishing.
- Noueihed H, Harb H, Tekli J. (2022). Knowledge-based virtual outdoor weather event simulator using unity 3D. *The Journal of Supercomputing*, 1-36.
- Obschonka M, Tavassoli S, Rentfrow P, et al. (2023). Innovation and inter-city knowledge spillovers: Social, geographical, and technological connectedness and psychological openness. 52(8).
- Patel A B, Desai T N. (2019). A systematic review and meta-analysis of recent developments in sustainable supply chain management. *International Journal of Logistics Research and Applications*, 22(4): 349-370.
- Shie A, Hosseini S Z, Raofi R, Ma'arif Vand Z. (2021). Knowledge-based urban development in the central area of Tehran, offering planning suggestions to improve the social-environmental performance of knowledge-based forces in District 6 of Tehran Municipality. *Arman Shahr Architecture and Urbanism*, 14(36): 224-239.
- Stenvall J, Laitinen I, Yeoman R, et al. (2022). The Smart City as a Knowledge-Based Community. In *Public Values for Cities and City Policy* (pp. 141-156). Palgrave Macmillan, Cham.
- Stone M, Geisser F. (1975). Cross validatory choice and assessment of statistical predictions. *Journal of the Royal Statistical Society*, 36(2): 111-147.
- Strauss A, Corbin J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nded. Sage Publications, Thousand Oaks,
- Tabibi S H, Rafiyan M, Majedi H, Ziari Y. (2020). The role of knowledge-based and innovative cities in urban and regional development. *Danesh Shahrzazi*, 4(1): 19-32.
- Tenenhaus M, Amato S, Esposito Vinzi V. (2004), A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modeling, *Proceedings of the XLII SIS Scientific Meeting, Vol. Contributed Papers, CLEUP, Padova*, pp. 739–742.
- Yaqoubi N, (2010). *Public administration (the course of modern ideas)*. 7th edition of Spring 2017, Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Department) of Humanities Research and Development Institute.
- Yigitcanlar T. (2018). Planning for Knowledge-based Urban Development: Global Perspectives. *Journal of Knowledge Management*, 228- 242.
- Zhang W, Jiang Y, Zhou W, Pan W. (2022). Antecedents of knowledge-seeking intentions and efforts within new product development teams: empirical evidence from knowledge-based Chinese companies. *Journal of Knowledge Management*. 139-156.